پیشخوان

اشاره‌ها و تحلیل‌هایی از تاریخچه جنبش دانشجویی در ایران

فراز و فرودهای یک پدیده

■ شاهد توحیدی

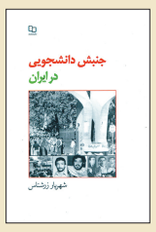

اثری که در معرفی آن سخن می‌رود، حاوی اشاره‌ها و تحلیل‌هایی مفید در باب تاریخچه جنبش دانشجویی در ایران است. مؤلف ارجمند کتاب جناب دکتر شهریار زرشناس، ابتدا با بررسی ادوار گوناگون جنبش دانشجویی در خارج از کشور، فراز و فرودهای این حرکت در داخل کشور را به روایت و تحلیل نشسته و آن را باز شناسانده است. زرشناس در دیباچه این اثر درباره محتوای آن چنین نگاشته است:

«در سلسله مباحثی که از این پس ارائه خواهد شد قصد دارم به بررسی سیر و تاریخچه جنبش دانشجویی در ایران قبل و بعد از انقلاب بپردازم. طرح بحث و بررسی جنبش دانشجویی بدون ارائه چشم اندازی [هر چند مجمل و مختصر] از کلیات و ویژگی‌های نظام آموزش عالی مدرن در غرب و نیز تاریخچه حضور آن در ایران امری ناقص و نارساست. از این رو ابتدا به ارائه گزارشی مختصر از مختصات و ویژگی‌های نظام آموزش مدرن در غرب و صورت وارداتی آن در ایران می‌پردازم و بررسی ادوار جنبش دانشجویی در ایران را از گفتار بعدی پی می‌گیرم. روشن است که از قرن هفدهم میلادی به بعد و با ظهور (انقلاب صنعتی) و گسترش دامنه تکنولوژی و علوم مدرن، دانشگاه‌ها و کلیت نظام آموزشی عالی و نیز آموزش مقدماتی و متوسط [آنگونه که در بوروکراسی مدرن غربی تعریف می‌گردید] نقش مهم و محوری در انتقال مفروضات سکولاریستی و مشهورات اومانیستی و انتقال بینش مکانیکی- ماشین علوم جدید به همه اقشار و گروه‌های اجتماعی به عنوان جهان‌بینی غالب را بر عهده گرفتند. از دیگر وظایف این نظام آموزش مدرنیستی‌ای که پدید آمده بود و تدریجاً بسط می‌یافت، تربیت افراد مأنوس با تکنوکراسی، بوروکراسی و بینش و اخلاقیات مدرنیستی جهت گرداندن ساختار اداری و صنعتی و نظام تمدن غرب مدرن بود. بنابراین ویژگی‌های نظام آموزش عالی

۱۳۵۷. یکی از راهپیمایی‌های انقلاب در برابر در اصلی دانشگاه تهران

مدرن آنگونه که پس از رنسانس و به ویژه از قرن هفدهم به بعد پدید آمده است را می‌توان اینگونه برشمرد:

۱- نظام آموزش عالی مدرن به منظور ترویج جهان‌بینی اومانیستی و القای مفروضات مدرنیستی تأسیس گردید.

۲- وظیفه دیگر آن تربیت نیروی کارپرورده شده برای چرخاندن تکنوکراسی و بوروکراسی مدرن بود.

۳- نظام آموزش عالی جدید صبغه سکولاریستی داشت و اساس آن بر تفسیر اومانیستی از هستی و تعریف مکانیکی- ماشینی از بشر و گونه‌ای رویکرد ماتریالیستی قرار داشت.

۴- نظام آموزش دانشگاهی مدرن در غرب تدریجاً جانشین نقش محوری کلیساها گردید و کوشش گسترده‌ای به عمل آمد تا «ساینتیست‌های سکولار» به جای روحانیون و علمای مذهبی به عنوان «گروه مرجع» مطرح گردند.

۵- نظام آموزش مدرن با شعار «تقدس‌زدایی» سر ستیز با هر نوع اعتقاد دینی و معنوی را داشت و اگر چه شعارهای تقدس‌زدایی سر می‌داد، رویکرد پوزیتیویستی علوم جدید و گرایش‌های ناسوتی، بشرانگارانه و سکولار آن را به عنوان امور «مقدس» مطرح می‌کرد.

۶- نظام آموزش عالی مدرن پس از قرن هفدهم نقش بسیار عمده‌ای در بسط و تعمیق دین‌زدایی و سنت‌ستیزی خرافه نامیدن باورهای مذهبی و مطلق و غیرقابل خدشه دانستن «فرضیه‌های متغیر حسی- تجربی» تحت عنوان «علم» بازی کرد.

۷- از قرن بیستم و با گرفتار آمدن رویکرد پوزیتیویستی در بن‌بست و بحران ناشی از عدم ظرفیت وجودی برای درک حقایق عالم و فهم شئون و مراتب هستی، تدریجاً و با ظهور آرای «توماس کوهن» و «فایرابند» در فلسفه علم و نگرش «مکتب فرانکفورت» به قلمرو علوم انسانی و بحران فیزیک کلاسیک نیوتنی و ظهور آرای «ماکس پلانک» و رویکرد فیزیک کوانتومی؛ علم جدید «Science» و نظام بسته و استبدادی آموزش دانشگاهی مدرن [که (نیچه)، (فوکو)، (آدرنو) و (ایوان ایلیچ) سخت بر آن تاخته بودند] با بحران جدی و فراگیری روبه‌رو گردید.

بحران نظام آموزش عالی مدرن در غرب پسامدرن امروز همچنان ادامه دارد و در کنار بحران‌های اجتماعی و اقتصادی و ایدئولوژیکی ناشی از حاکمیت سرمایه‌سالاری در غرب یکی از علل بروز ناآرامی‌ها و اعتراضات گسترده دانشجویی و غیردانشجویی نسبت به رویکرد آموزش دانشگاهی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم بوده است.»

■ حاجیعلی رزم‌آرا در کنار محمدرضا پهلوی در آغازین روزهای نخست‌وزیری

نخست‌وزیری حاجیعلی رزم‌آرا از بزنگاه‌های شاخص تاریخ معاصر ایران به ویژه تاریخ نهضت ملی است. در آن دوره همگان دریافته بودند که این نظامی چکمه‌پوش برای مواجهه با امواج گسترده و فراگیر نهضت ملی ایران به عرصه صدارت گام نهاده است. با این همه محمدرضا پهلوی نیز با وجود تمامی خودنمایی‌های رزم‌آرا چندان به وی خوشبین نبود و به زمامداری وی با دیده تردید می‌نگریست. سرانجام در پشت پرده روابط قدرت، شاه راضی شده بود رزم‌آرا به نخست‌وزیری برسد...

مروری بر چالش همه‌جانبه مجلس شانزدهم با دولت حاجیعلی رزم‌آرا

دولت برکشیده انگلیس و امریکا

■ احمدرضا صدری

همانگونه که در صفحات پیشین اشارت رفت، این روزها تداعی‌گر سالروز مواجهه سنگین نیروهای اردوگاه نهضت ملی ایران با دولت سپهبد سابق حاجیعلی رزم‌آراست. مقالی که پیش‌روی شماست، بخش‌هایی مهم از این رویارویی همه‌جانبه را روایت کرده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

■ رزم‌آرا که بود؟

هر چند در پژوهش‌های پیشین منتشره در صفحه تاریخ تا حدی به پیشینه سپهبد سابق حاجیعلی رزم‌آرا اشارت رفت، اما از آن روی که ممکن است بخشی از خوانندگان از هم اینک وارد این مجموعه مطالب شده باشند، مروری اجمالی بر زندگی رزم‌آرا مفید به نظر می‌رسد. یکی از پژوهشگران تاریخ معاصر، حیات نظامی و سیاسی وی را به شرح ذیل خلاصه کرده است:

«حاجیعلی رزم‌آرا، فرزند سرهنگ محمد در ۱۲۸۰ به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در مدارس الیانس و اقدسیه تهران به پایان رسانید. سپس وارد مدرسه نظام مشیرالدوله شد و با درجه ستوان دومی فارغ‌التحصیل و وارد خدمات نظامی در ارتش شد. پس از مدتی به فرانسه رفت و در مدرسه سن‌سیر تحصیلات نظامی خود را تکمیل کرد. پس از بازگشت به کشور در هنگ کرمانشاه به خدمت مشغول شد و سپس فرماندهی تیپ مستقل لرستان را برعهده گرفت. کفالت اداره جغرافیایی ارتش و مدیریت دروس دانشگاه جنگ از دیگر سمت‌های نظامی وی بود. پس از شهریور ۱۳۲۰ به فرماندهی لشکر تهران و بعد از مدتی به فرماندهی آمادگاه تسلیحاتی ارتش منصوب شد. در همان ایام به درجه سپهبدی و سپس سرلشکری رسید. در تیر ۱۳۲۹ بعد از استعفای علی منصور، به نخست‌وزیری منصوب شد که مصادف با نهضت ملی شدن صنعت نفت بود. وی از مخالفان ملی شدن صنعت نفت بود و به خاطر آن از طرف گروه‌های مذهبی و ملی مورد انتقاد سخت بود تا اینکه در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ در حالی که قصد حضور در مجلس ختم آیت‌الله فیض در مسجد سپهسالار را داشت، توسط خلیل طهماسبی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. این امر نقش زیادی در تصویب ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند همان سال داشت. از رزم‌آرا آثاری در زمینه جغرافیای نظامی ایران برجای مانده است.»[1]

■ آغازی بر یک پایان!

نخست‌وزیری حاجیعلی رزم‌آرا از بزنگاه‌های شاخص تاریخ معاصر ایران به ویژه تاریخ نهضت ملی است. در آن دوره همگان دریافته بودند که این نظامی چکمه‌پوش برای مواجهه با امواج گسترده و فراگیر نهضت ملی ایران به عرصه صدارت گام نهاده است. با این همه محمدرضا پهلوی نیز با وجود تمامی خودنمایی‌های رزم‌آرا چندان به وی خوشبین نبود و به زمامداری وی با دیده تردید می‌نگریست. سرانجام در پشت پرده روابط قدرت، شاه راضی شده بود رزم‌آرا به نخست‌وزیری برسد. به همین دلیل برنامه نخست‌وزیری رزم‌آرا با شتاب هر چه بیشتر پیگیری شد و بدون در نظر گرفتن سنت نظرخواهی از مجلس ناگهان در پنجم تیرماه دولت منصور سقوط کرد و شاه بدون توجه به مجلسیان و نیروهای سیاسی داخل و صرفاً به دلیل فشارها و اصرار نیروهای بیگانه- انگلیس و امریکا- فرمان نخست‌وزیری رزم‌آرا را اینگونه صادر کرد:

«جناب حاجیعلی رزم‌آرا، نخست‌وزیر/ نظر به اطمینانی که به کفایت و لیاقت شما داریم، به موجب این دستخط شما را به سمت نخست‌وزیری منصوب می‌کنیم و مقرر می‌داریم که در تعیین هیئت وزیران اقدام نموده و مطابق برنامه جدیدی که اصول حکومت ملی را کاملاً تأمین نماید، با کمال جدیت و فعالیت، تحولات اجتماعی را که منظور نظر است به موقع اجرا گذارید.»

فردای آن روز، روزنامه‌های مستقل به مقایسه رزم‌آرا و رضاخان پرداختند و متن فرمان ریاست‌الوزرایی رضاخان توسط احمدشاه را به عنوان شاهد در کنار فرمان شاه قرار دادند. روزنامه‌های دیگر نیز هر کدام، خطر ایجاد یک حکومت نظامی را برای آینده کشور گوشزد کردند و زنگ‌های خطر را برای نیروهای سیاسی مخالف به صدا درآوردند. با این احوال، رزم‌آرا عصر همان روز، طی یک مصاحبه مطبوعاتی به تشریح برنامه‌های دولت پرداخت.

■ رزم‌آرا در اندیشه سازش با مصدق

رزم‌آرا با درک قدرت مخالفان، ابتدا در تاریخ دوم تیرماه به منزل مصدق رفت تا او را با خود همراه کند و در این راه حتی پیشنهاد چند وزارتخانه را هم به مصدق داد تا افرادی را برای آنها انتخاب نماید، ولی مصدق زیربار نرفت. در این جلسه، مصدق از رزم‌آرا خواست تا برنامه‌های دولت را معرفی کند، ولی همین که رزم‌آرا خواست به شرح آن بپردازد، مصدق مخالفت کرد و برنامه «عدم تمرکز سیاسی» را ضد تمامیت ارضی و استقلال کشور تلقی نمود. در آن جلسه، مصدق به رزم‌آرا گفته بود به طور قطع با دولت به مخالفت خواهد پرداخت و رزم‌آرا نیز به قهر، منزل مصدق را ترک کرده بود. این جنجال، بعدها به مجلس هم کشیده شد و رزم‌آرا که به طور مسالمت‌آمیز نتوانسته بود مصدق را تسلیم کند، در جلسات بعدی مجلس به افشای ملاقات خود با مصدق پرداخت تا حیثیت وی را لکه‌دار نماید. رزم‌آرا گفته بود: «علت مخالفت مصدق، قدرت‌طلبی اوست، لذا به وی اعلام کرده بودند که قصد دارد خودش کابینه تشکیل بدهد.» اگر چه گفته‌های رزم‌آرا صحت نداشت، ولی قصد او منکوب کردن مصدق بود. این بیان رزم‌آرا در مجلس به مجادله میان طرفداران مصدق و رزم‌آرا انجامید و اولین کینه‌ها را در هر دو به وجود آورد.

■ یکی از جنجالی‌ترین جلسات مجلس

در ششم تیرماه با ورود رزم‌آرا و هیئت دولت، جنجالی‌ترین جلسه مجلس برپا شد و نمایندگان جبهه ملی- به دولت رزم‌آرا رأی اعتماد داد. برنامه دولت هم عبارت بود از: «عدم تمرکز سیاسی»، «اشتغالزایی»، «بهبود اوضاع اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی» و... اما مهم‌ترین برنامه دولت رزم‌آرا، تصویب «قرارداد الحاقی» بود. البته با سقوط چند کابینه، رزم‌آرا دریافته بود مجلس به این سادگی‌ها قرارداد را تصویب نمی‌کند و به نظر او لازم بود مدت زمانی بگذرد تا این مسئله به عنوان یک «مسئله درجه دوم» مطرح شود، لذا دولت کار خود را با لوایح و برنامه‌هایی دیگر شروع کرد و اولین لایحه مهمی که به مجلس تقدیم گردید، لایحه «عدم تمرکز سیاسی» یا همان بحث داغ «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» بود. محتوای این لایحه، اعطای اختیاراتی کامل به روستاها، شهرها و استان‌ها بود و به ظاهر وانمود می‌شد که قرار است از بار مسئولیت دولت کاسته و مشکلات محلی در سطح مقامات محلی حل و فصل شود تا دولت بتواند برنامه‌های کلان را با فراغ بال به مرحله اجرا درآورد. در تاریخ بیست و دوم تیرماه این لایحه تقدیم مجلس شد، اما دکتر مصدق و یارانش وجود رد پای اجانب- به خصوص انگلیس- را در این لایحه مطرح کردند؛ البته رزم‌آرا قبلاً برای جلب نظر دکتر مصدق به منزل وی رفته بود، ولی دکتر مصدق به شدت با این لایحه مخالفت کرده بود. دکتر مصدق با آن حال و هوای خاص نطق‌هایش، پشت تریبون به گریه افتاد: «امروز روز تجزیه ایران است و اگر حرف نزنم، باید بروم و بمیرم. من نمی‌توانم ببینم که ایران تجزیه شود و من سکوت اختیار کنم...»

در ادامه، دکتر مصدق این لایحه را یک برنامه انگلیسی خواند و اظهار داشت که انگلستان آن را برای تجزیه ایران مطرح نموده است. بلافاصله بعد از این سخنرانی جو مخالفت در مجلس شکل گرفت و رزم‌آرا که تجربه سیاسی [کافی] در کسب حمایت مجلس نداشت، در عمل فاقد آن کارایی بود که بتواند بر جو حاکم بر مجلس فائق آید، لذا بحث‌های طولانی در گرفت و سرانجام نیز به نتیجه نرسید و بعدها نیز با مطرح شدن «قانون تصفیه اداری» توسط کمیسیون مخصوص مجلس به فراموشی سپرده شد و در نهایت هم دولت آن را پس گرفت، ولی رزم‌آرا عهد کرد تا هر وقت باشد، این لایحه را به تصویب برساند.

■ قانون تصفیه اداری «کیش دوجانبه»

مسئله بعدی دولت رزم‌آرا «قانون تصفیه اداری» کارمندان دولت بود که قبلاً در اول تیرماه ۱۳۲۸ به تصویب مجلس رسیده بود. مطابق این قانون، دولت موظف بود با انجام رتبه‌بندی بین هزار کارمند عالیرتبه، کارمندان ناکارآمد را شناسایی کند و مقدمات تصفیه اداری آنها را فراهم آورد. رزم‌آرا به استناد همین قانون، هیئتی را مأمور این کار کرد. این هیئت پس از انجام بررسی‌های لازم، کارمندان دولت را به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول، کسانی بودند که صلاحیت لازم را دارا بودند و تخصص‌شان مورد نیاز دولت بود و لازم به نظر می‌رسید که دولت از وجود این عده استفاده نماید. افراد مشمول این بند را صاحب‌منصبان خوشنام و معروفی مانند باقر کاظمی، شمس‌الدین امیرعلایی، علی شایگان، عبدالله معظمی، سرلشکر آق‌اولی و... تشکیل می‌دادند. دسته دوم افرادی بودند که صلاحیت لازم را نداشتند، ولی دولت می‌توانست در بخش‌های کم اهمیت‌تر از آنها استفاده نماید. مهم‌ترین افراد موجود در این دسته اسدالله علم، غلامحسین فروهر و... بودند و بالاخره دسته سوم کسانی بودند که صلاحیت خدمت نداشتند و سوابق اداری آنها مناسب نبود و اکثر آنها دچار فساد اداری بودند و لازم بود دولت این افراد را تصفیه نماید، ولی از آنجا که اکثر این افراد در سن بازنشستگی نبودند، باید اخراج می‌شدند. مشهورترین افراد این دسته عبارت بودند از: احمد قوام نخست‌وزیر سابق، رضا سردار فاخر حکمت رئیس فعلی مجلس شورای ملی، سپهبد شاه‌بختی نماینده شاه در آذربایجان، دکتر منوچهر اقبال استاندار آذربایجان و...

افراد این دسته را شخصیت‌های سرشناس، ولی عموماً فاسد و پرنفوذ تشکیل می‌دادند و دولت با آگاهی از نفوذ و قدرت این افراد در تشنج‌آفرینی قصد داشت این گزارش را افشا نکند، اما «کمیسیون تصفیه» در اواخر مرداد به ابتکار خود، اقدام به انتشار آن نمود که در نتیجه موجی از مخالفت را علیه دولت برانگیخت و عده‌ای هم چون دکتر اقبال به موضع‌گیری علیه آن پرداختند و عده‌ای نیز مانند دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی بر انجام آن اصرار نمودند. سرانجام دولت برای جلوگیری از عواقب وخیم این کار، از طریق دادگستری لایحه‌ای تقدیم مجلس نمود که طبق آن دو کمیسیون به این کار اختصاص می‌یافت و این دو کمیسیون به بررسی شکایات رسیده و پرونده‌های سایر کارمندان می‌پرداختند. طرح این لایحه، دولت را دچار حالت «کیش دوجانبه» کرد؛ بدین ترتیب که هم طرفداران دولت را ناراضی و هم مخالفان را در مخالفتشان تشجیع کرد. تنها پیامد این لوایح، آشکار شدن «ضعف دولت» و عقب‌نشینی آن بود. به دنبال تصویب این لایحه دولت استیضاح شد، ولی مجلس به تصور پشتیبانی شاه از دولت حاضر شد سکوت نماید؛ البته دولت در ارتباط با مجلس، در عمل فاقد کارایی لازم بود؛ حتی رزم‌آرا به «شپرد»- سفیر انگلیس- گزارش کرده بود هیچ‌یک از لوایح او تاکنون به تصویب مجلس نرسیده است. در مقابل، نمایندگان عضو جناح اکثریت و طرفدار رزم‌آرا از وی گله داشتند که در مشورت و تلاش برای جلب نظر موافق نمایندگان، بسیار کم‌کار و ناموثر عمل می‌کند؛ البته شاه نیز خودش چنین دیدگاهی داشت و از نظر او مشکل دولت رزم‌آرا در نحوه برخورد با مجلس و مجلسیان بود. شاه بعدها در خاطرات خود آورده بود که «عملکرد او در مجلس وحشتناک بود. او نتوانست مواضع طرفدار دولت را به روشنی بیان کند و عموماً در برخورد با مجلس، چهره‌ای فاقد کارایی به شمار می‌آمد.»

■ ترمیم بی‌نتیجه کابینه

به هر ترتیب، نمایندگان طرفدار دولت- دربار، بر این باور بودند که لازم است رزم‌آرا هر چه زودتر کابینه را ترمیم نماید. اگر چه کابینه ترمیم شد، ولی این اقدامات در عمل در جلب موافقت نمایندگان عقیم ماند و علت این امر نیز در شخصیت رزم‌آرا نهفته بود، زیرا او شخصیتی چند چهره داشت: به لحاظ سیاسی، پایگاه سیاسی رزم‌آرا وابسته به دربار، سفارت‌های امریکا و انگلیس بود و از پشتیبانی حزب توده و سفارت شوروی نیز برخوردار بود، اما در عمل نتوانست حمایت کامل هیچ کدام آنها را به دست بیاورد. به قول همبلی «متفقین غربی به خاطر اشاراتش مبنی بر حسن نیت در مقابل شوروی از او انتقاد می‌کردند و شوروی‌ها نیز او را آلت دست شاه می‌دانستند و این هراس عمیق را ایجاد کرده بود که او اصلاح‌گری اقتدارطلب است، لذا خصومت چهره‌های با نفوذ دربار را برانگیخته بود.» همچنین رزم‌آرا نیز خودش بسیار مغرور عمل می‌کرد و مجموعه این مسائل سبب شد که دولت نتواند به هیچ یک از اهدافش برسد.

■ پی‌نوشت:

۱- زندگینامه مندرج در سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

■ حاجیعلی رزم‌آرا در حاشیه یکی از بازدیدها در آستانه انتصاب به نخست‌وزیری

در ششم تیرماه با ورود رزم‌آرا و هیئت دولت، جنجالی‌ترین جلسه مجلس برپا شد و نمایندگان جبهه ملی با فریادهای مداوم «ما دیکتاتور نمی‌خواهیم» از ورود رزم‌آرا استقبال کردند. تشنج و جنجال به حد اعلی رسید و هر قدر سردار فاخر حکمت- رئیس مجلس- تلاش کرد تا آنها را ساکت کند، نتوانست...